

از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

آشنایی با ناشر در صف ناوایی



علیرضا فرهمند، سال ۱۳۱۹ در رشت به دنیا آمد. پس از گرفتن دیپلم به دانشکدهٔ نفت آبادان رفت و یک سال مانده به پایان تحصیلاتش، دانشکده را رها کرد و به تهران آمد و در روزنامه کیهان مشغول به کار شد و چند سال دبیر سرویس خارجی روزنامه بود. او تا سال ۱۳۵۸ که به میل خود از مؤسسهٔ کیهان بازنحید شد در این سمت بود. فرهمند نشریات بسیاری را بنیاد نهاد که از آن جمله می‌توان به آینه، ابرار، اقتصاد

انرژی، امید جوان، پیام امروز، صنعت حمل و نقل، صنعت کفش، و جامعه اشاره کرد. یکی از آثار ماندگار او ترجمهٔ رمان «پیشه‌ها» اثر الکس هیلی است. او همچنین کتاب «ساعت نحس» اثر گابریل گارسیا مارکز را ترجمه کرده است. ساعت نحس را ناشری گمنام منتشر کرده و وقتی درباره علت انتخاب این ناشر از فرهمند پرسیده بودند در جواب گفته بود: «با او در صف ناوایی آشنا شدم».

فرهمند علاوه بر اشراف و تسلط کم‌نظیر بر فنون روزنامه‌نگاری، تاریخ ایران و جهان و مکاتب فلسفی، در زمینه تاریخ جهان گشایی اروپاییان غربی، از سقوط قسطنطنیه در ۱۴۵۳ میلادی تا مرگ ملکه ویکتوریا در ۱۹۹۱ میلادی تخصص ویژه داشت.

برخی از استادان روزنامه‌نگاری ایران از او با عنوان مؤلف شفاهی یاد کرده‌اند، اما استاد فرهمند که به شهرت گریزی نیز شناخته می‌شود، در این اواخر دستاورد بسیاری از تجارب و پژوهش‌ها و نیز دیدگاه‌های خود را در قالب نامه‌هایی به نزدیکان خود مکتوب کرده بود. علیرضا فرهمند ۲۱ دی ماه سال ۱۳۹۲ بر اثر سرطان ریه درگذشت.

خودزنی / محیط‌زیست

ببر سیبری برای ما هیچ ارزشی ندارد

زمانی که دبیر سیبری برای احیای نسل ببر به ایران منتقل شدند تقریباً همه کارشناسان این تصمیم را غیرکارشناسانه و ناشدنی خواندند. باغ وحش ارمی که متولی نگهداری از این دو دل‌داده رامراه شده بود، تنها کمی پیشتر دست کم ۹ و به روایتی ۱۴ شیر را به کشتن داده بود و پیش از آن نیز یک ببر بنگال مبتلا به صرع در استخر غیراستاندارد این باغ وحش جان باخته بود. اندکی نگذشت که عمر ببر نر سیبری هم به پایان رسید و ببر بیوه به قرنطینه منتقل شد. قرنطینه‌ای که به مدت ۵ سال او را از نور آفتاب محروم کرد.

شهرام امیری شریفی در باره پیشینه این باغ وحش توضیح می‌دهد: در این مجموعه روشنگری وجود ندارد. در مورد حادثهٔ شیربها برخی می‌گویند ۹ شیر و برخی هم می‌گویند ۱۴ شیر کشته شد. یک جا می‌گویند شیرها را یوناتانیز کردیم (مرگ با تزریق دوز بالای داروی بیهوشی)، جایی می‌گویند با گلوله کشتیم، یکی می‌گوید سر بریدیم ویک عده هم اصلا ادعا می‌کنند که آنها راننده سوزاندم! الان چندسال از این ماجرا می‌گذرد؟ اما در این ماجرا هیچ پاسخ‌گویی رخ نداده و همه چیز هم مخفی می‌شود و هیچ‌کس هم نگفته آقا دست کم بگویند این شیرها را چگونه کشتید؟

عضو دیده‌بان حقوق حیوانات با اعلام اینکه «کمینه حقوقی مادر در حال بررسی موضوع قرنطینه ببر بیوه است و می‌خواهد روی این موضوع اعلام جرم کند» می‌رسد: چه سیستم غلطی باعث شده حیوانی که سالم است ۵ سال در قرنطینه بماند. چرا باید حیوان سالم ۵ سال نور آفتاب نبیند؟ حتما چنین ساختاری باید اصلاح‌شود. امیری شریفی که انتقال رایگان ببر به باغ وحش ارم را یاداش دادن به‌متخلف سابقه‌دار تلقی می‌کند، می‌گوید: هر وقت نقدی وارد می‌شود می‌گویند مدیر قبلی بوده است. وقتی با یک نهاد حقوقی طرف هستیم دیگر فرقی نمی‌کند چه کسی مدیر بوده است. آن نهاد باید پاسخگو باشد. اما حتی نهاد ناظر یعنی سازمان محیط زیست هم با کدخدامنشی می‌گوید حالا دیگر گذشته و اینها هم بهتر شده‌اند. چنین رفتاری جلوی تخلف رانمی‌گیرد و همین باعث شده است بارها تخلفشان را تکرار کنند. شهرام امیری شریفی می‌گوید: اعلام کردند عددی بین ۲ تا ۵ میلیارد تومان برای آماده‌سازی جایگاه این ببرها در میانکاله هزینه شده. بر اساس واقعیت‌ها می‌شود حدس زد که این عدد حدود یک میلیارد تومان باشد اما به هر حال عددی میلیاردی برای سازمانی هزینه شده که برای ۱۲ هزار تومان افزایش حقوق محیط‌باننش مشکل دارد و محیط‌باننش با پوئین پاره به منطقه می‌رود.

عضو دیده‌بان حقوق حیوانات با بیان اینکه «ببر را با این پهانه که ژن ارزشمندی دارد رایگان به باغ وحش ارم هدیه کرده‌اند» می‌گوید: این ژن ارزشمند در اسارت هیچ ارزشی برای ما ندارد. نه اینکه دامپزشک ما بیا莫ود که ببر سیبری چه شکلی است؛ برای حیات کشور فایده‌ای دارد و نه اینکه دیدن مردم و بچه‌های تهرانی ببر سیبری را ببینند فایده‌ای به حال طبیعت ما دارد. ما گونه‌های بومی خودمان را رها کرده‌ایم و فعالیت ضروری را اطلاع‌رسانی که بایسته است در باره آنها انجام نمی‌دهیم و حتی به مردمی که اثرگذاری مستقیم روی جمعیت گونه‌های بومی دارند اطلاع‌رسانی نمی‌کنیم بعد می‌گوییم ببر سیبری ارزش ژنتیکی دارد! بله، برگدن هم ارزش ژنتیکی دارد اما در جایگاه خودش. ارزش ژنتیکی ببر سیبری و کرگدن به ما هیچ ارتباطی ندارد.



یادداشت روز

دستفروشان و نوازندگان خیابانی تنها دلخوشی این شهرند

سیدعبدالجواد موسوی |… احتمالاً مستولان محترم شهرداری برای برخورد با دستفروشان دلایل قانع‌کننده‌ای دارند اما برای عدم برخورد با پدیده دستفروشی نیز دلایلی وجود دارد که بد نیست مستولان محترم آنها را بشنوند و دست‌کم دقایقی در آنها تامل کنند. اول اینکه مردم با دستفروشان مشکل چندانی ندارند. یعنی اگر حقیقتاً مستولان دغدغه مردم را دارند باید بدانند که مردم با این پدیده مشکل چندانی ندارند. ممکن است عده‌ای از مغازه‌داران از این موضوع ناراحت باشند اما عامه مردم از این موضوع ناراحت نیستند و گواه این سخن اقبالی است که مردم به آنها نشان می‌دهند.

تازه در فضای مرده شهری که آلودگی و آسمان خراش هم در آن مشکل مضاعف شده و راه تنفس را بر مردم بسته، اگر صدای بلند دستفروشان که با هیجان و گاه طنز و مطالبیه مردم را به خرید اجناس ارزان دعوت می‌کنند و نوازندگان جوانی که با صدای ساز و آوازشان به این شهر خاکستری رنگی از نشاط و سرزندگی می‌دهند نباشد، حقیقتاً دق خواهیم کرد. دستفروشان و

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

وقتی همسر رئیس‌جمهور چکمه‌ساق بلندپوشد

کتاب «آ‌تاتورک »؛ سر‌نوشت بنیان‌گذار جمهوری تر کیه منتشر شد

کتاب «آ‌تاتورک» تالیف آندرو مانگو با ترجمه هوشمند دهقان به بررسی زندگی سیاسی بنیان‌گذار جمهوری ترکیه می‌پردازد. شرح حال نویسان ترک معتقدند برخی برهه‌های زندگی این سیاستمدار با ماجراجویی آمیخته شده است. بخش یکم کتاب «سال‌های نخستین» نام‌دارد. نویسنده در این بخش آورده است: «آ‌تاتورک به‌عنوان تنها مرد با‌زمانده در خانواده‌ای بی‌پدر، مهم‌ترین شخص خانه بود. خواهرش مقبوله بعدها می‌گفت او آنقدر مغرور بود که چفتک چارکش بازی نمی‌کرد؛ زیرا خم نمی‌شد تا بگذارد بچه‌های دیگر از روی او بیزند». بخش دوم این کتاب با عنوان «نبرد طولانی» به چگونگی شکل‌گیری شخصیت سیاسی آ‌تاتورک می‌پردازد و بخش سوم با عنوان «اراده ملت» درباره ویژگی‌های رهبری آ‌تاتورک است. صفحات پایانی این بخش به همسر جوان بنیان‌گذار جمهوری ترکیه اختصاص دارد که در آن آمده است: «لطیفه، زنی جوان و بلندپرواز بود که از تحصیلات خوبی بهره داشت. او صورتی زیبا، گیسوانی قهوه‌ای و جذاب و هیکلی کوچک و نسبتاً فربه داشت و از اراده‌قوی برخوردار بود.» مولف در بخش چهارم «برآمدن جمهوری و ایجاد اصلاحات» آورده است: «… در روز بعد، مصطفی کمال با لطیفه ازدواج کرد. او به محض آنکه وارد کارشی‌یا کاشد، به آ‌جودانش صالح (بوزوک) گفت: «تصمیم گرفتم با لطیفه ازدواج کنم. اگر پدرش در شهر هست او را از تصمیم من آ‌گاه کن و اضافه کن که به کسی چیزی نگوید.» مراسم ازدواج به یک مجلس چای‌خوری در منزل معمر (موسوم به عمارت سفید) مبدل گردید. مراسمی مختصر توسط مفتی از میر اجرا شد.

در قسمتی از همین صفحات درباره نوع‌پوشش همسر جوان آ‌تاتورک می‌خوانیم: «مصطفی کمال به همراه عروس جانش با قطار از میر به آنکارا عزیمت نمود. در ۱۸ فوریه ۱۹۲۳، در اسکی‌شهر توقف نمود و در آنجا، عصمت را که پس از تعلیق کنفرانس صلح از لوزان بازمی‌گشت، ملاقات

گردش روزگار برعکس است



زین‌الدین زیدان در کسوت سر مربی تیم رئال مادرید چگونه عمل خواهد کرد؟

با کاروان حله / اخبار هنر

ما با هیچ‌کس دشمنی نداریم

محسن شریفیان پژوهشگر موسیقی نواحی، نوازنده و سرپرست گروه «لیان» در نشست خبری کنسرت این گروه در باره دیرکرد در صدور مجوز کنسرت پیش روی خود گفت: ما‌کن عمومی نیروی انتظامی برای این کنسرت و تسریع صدور مجوز آن زحمت زیادی کشید و من قدردان زحمات این افراد هستم، اما دلیل سخت‌گیری رانمی‌فهمم به همین خاطر از آنها خواستم در باره آن توضیحی بدهند. من صاحب

نوازنده‌ام نیستم و نمی‌توانم به او دستور بدهم به‌آ‌مایشگاه برود و تست اعتیاد بدهد. کنسرت ما فقط یک ساز و آواز معمولی است. به‌نظرم برای صدور مجوزها فقط یک نهاد باید پاسخگو باشد. وی افزود: ما در کنسرت وحدت مشکلی نداشتیم، اما در نمایشگاه به محدودیت دچار شدیم و بیشتر از همه‌نگران مسأله سیستم صوتی بودیم. با این حال طوری برنامه‌ریختیم که مخاطبان ۲۹‌دی اجرای خوبی را شاهد باشند. او ادامه داد: گروه ما خواهان اجرای برنامه در نمایشگاه بود و از طرفی هم وحدت جای خالی نداشت به همین دلیل ما کار را از سالن میلاد آغاز می‌کنیم و در ادامه این تور به رشت و بندرعباس نیز سفر خواهیم کرد. این پژوهشگر موسیقی تصریح کرد: تا تاریخ هست حاشیه هم خواهد بود. ما نیز از این قاعده مستثنا نخواهیم بود. ما با هیچ‌کس دشمنی نداریم و مخلص همه مردم بوشهر هستیم. بارها گفته‌ام که اگر کسی مشکلی دارد بیاید و با مطرح کند. کنسرت گروه «لیان» به سرپرستی محسن شریفیان روز ۲۹‌دی‌ماه در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار خواهد شد.

وای، باران؛ باران؛ شیشه پنجره را باران شست از دل من اما. چه کسی نقش تو را خواهد شست؟ (حمید مصدق)

سوت‌بان



آ‌تاتورک
مولف: آندره مانگو
مترجم: هوشمند دهقان
نشر پیام امروز
قیمت: ۶۲ هزار تومان
صفحه ۹۸۸

نمود. فوزی، رئیس ستاد مشترک نیز در جلسه حاضر بود. از سرگیری جنگ، کماکان محتمل بود. در هر صورت، مصطفی کمال به حمایت ارتش نیاز داشت. عصمت برای مصطفی کمال و همسرش در زندگی مشترکشان، آرزوی خوشبختی نمود و سپس صحبت را به مشغله سیاسی پیش‌رو، معطوف نمود. مخبر دلیلی میل، وارد پاریس که در مسیر بازگشت از لوزان با عصمت همسفر شده بود، اشاره می‌کند که «غازی… کت و شلوار ی پشمی به تن داشت و جوراب دوچرخه‌سواری در پاهایش بود که با کفش‌های ورنی اش در تضاد بود.» در حالی که لطیفه شلوار سوارکاری و چکمه ساق بلند مهمیز‌داری پوشیده‌بود و روسری حریر روشنی موهایش رامی‌پوشاند. به گفته وارد پاریس «تماشاکنندگان ترک از دیدن چنین لباسی بکه می‌خورند، لباسی که هیچ زنی در ترکیه جرأت‌نداشت بر تن کند.» «زامادری بی‌نظیر» عنوان بخش پایانی کتاب است که در صفحات پایانی آن می‌خوانیم: «تحولی که آ‌تاتورک ایجاد نمود رانمی‌توان یک انقلاب اجتماعی نامید. تحت حکومت خودکامه او، از بابان و اشراف‌زاده‌ها به تسلط بر جوامع ایالتی ادامه دادند. در شهرها، کارمندان دولت، شاکله طبقه متوسط کوچکی را شکل دادند. مسلمانان به تدریج، پیشه‌ها و جزف مختلف را فرا گرفتند ولی معدودی از عیسویان باقی‌مانده و جماعات یهودی، کماکان در مشاغلی که به مهارت نیاز داشت، شاخص بودند. جمهوری‌ای که آ‌تاتورک بنیاد نهاد، به‌دست افسران و کارمندی ادار ه می‌گشت که مثل خود او، قبالاً تحت حکومت سلاطین قبل، کار کرده بودند.»

هیئت دولت به تماشای یک نمایش رفت



هیئت دولت «حسن روحانی» رئیس‌جمهور ایران جمعه شب گذشته به تماشای نمایش «خاطرات و کابوس‌های یک جامه‌دار از زندگی و قتل میرزاقی خان فراهانی» به کارگردانی علی رفیعی نشست. این نمایش تا انتهای دی‌ماه در تالار وحدت ساعت ۱۸ به روی صحنه می‌رود. اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور که به همراه تعدادی از وزرای دولت به تماشای این نمایش در تالار وحدت نشست در حاشیه

این بازدید بر رونق و حضور تئاتر و شادابی هنرمندان این حوزه تأکید کرد. اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور، محمد باقرنوبخت سخنگوی دولت، علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، آ‌خوندی وزیر راه، واعظی وزیر ارتباطات به همراه علی مرادخانی معاون هنری وزیر، مهدی شفیع‌ی مدیر کل هنرهای نمایشی در پایان اجرای این نمایش به‌پشت صحنه اجرا رفت‌ه با عوامل و دست‌اندرکاران این اجرادیدار کردند. معاون اول رئیس‌جمهور ضمن خسته‌نباشید به کارگردان و گروه اجرایی این نمایش گفت: تئاتر همیشه برای مردم ایران الهام‌بخش بوده و همیشه از آن درس گرفته‌اند. باید کمک کنیم که تئاتر همیشه حضور پر رونق داشته باشد. هنرمندان تئاتر همیشه شاداب باشند و بتوانند کارهای نو و خوب ارائه بدهند.

وی درباره نمایش «خاطرات و کابوس‌های یک جامه‌دار» به کارگردانی گفت: بالاخره پس از مدت‌زمان طولانی، توفیق داشته‌که تئاتر ببینم. این کار هم از نظر متن، هم از نظر کارگردانی و هم از نظر بازی، کار کم‌نظیری بود. اگر بگویم نظیر واقعا اغراق نکرده‌ام.

مترو و اتوبوس و ترمینال به دستفروشی می‌پردازند چاره‌ای جز این ندارند. با چنین آدم‌های شریفی چه باید کرد؟ باید گفت ما ماموریم و معذور و بعد با لگد زد زیر بساط اینها؟ این را جای دیگری هم نوشته‌ام و فکر می‌کنم تکرارش در اینجایی مناسب نباشد. نقل است که امیرالمومنین جوانی را که برای اطفای آتش شهوتش کار شنیعی انجام می‌داد تنبیه کرد و بعد از او پرسید چرا ازدواج نمی‌کنی؟ جوان گفت امکان مالی ندارم. امیرالمومنین از بیب‌المال هز بنه ازدواج او را پرداخت کرد و علاوه برآن شغلی برای او در نظر گرفت. بله، کسی می‌تواند گناهکاری را سرزنش کند که امکان‌گناه نکردن او را فراهم آورد: من گرچه گلم خاک بود بشرط شکفتن/ در دامن مرداب دمیدن نتوانم.

اگر در سرزمین ما برای همه دستفروشان امکان شغل دیگری فراهم بود و آنها با سد معبر فقط و فقط قصد مردم‌آزاری و کساد کردن بازار مغازه‌داران را داشتند برخورد با آنها معقول می‌نمود اما به نظر می‌رسد در شرایط کنونی برخورد با آنها نه منصفانه است و نه عادلانه.
(منبع: خبرآنلاین)